



اثر ساختار حاکمیت شرکتی و کفایت سرمایه بر ریسک پذیری بانک های پذیرفته شده در بورس های اوراق بهادار ایران نرگس جلالی پور^{۱*}، محمد جمالی^۲، شهریار انصاری چهارسوقی^۳

۱. کارشناس ارشد مهندسی مالی، موسسه آموزش عالی پرندک (نویسنده مسئول)

۲. دکترا، مدرس موسسه آموزش عالی پرندک

۳. دکترا، عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی پرندک

ارتباط با نویسنده: nargesjalali61@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱، تاریخ انجام اصلاحات: ۱۳۹۸/۰۷/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

The Effect Of Corporate Governance Structure And Capital Adequacy on The Bank Risk-Taking In Iran

Narges Jalalipour^{1*}, Mohammad Jamali², Shahriar Ansari Chaharsoughi³

1. Master of financial engineering, Parandak Higher Education Institute, (corresponding author)

2. Lecturer, Parandak Higher Education Institute

3. Faculty Member, Parandak Higher Education Institute

Received 07/22/2019, Revised 10/14/2019, Accepted 10/15/2019

چکیده

در این پژوهش عوامل تاثیرگذار بر ریسک اعتباری بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از دو جنبه کفایت سرمایه و حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه پژوهش شامل ۱۵ بانک از کلیه بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ است که داده های مورد نیاز برای آزمون فرضیه های تحقیق، از صورت های مالی سالانه بانک ها و گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام استخراج شده و برای آزمون فرضیه ها، روش رگرسیون چند متغیره پانل مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که کفایت سرمایه، سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره بر ریسک اعتباری بانک ها تاثیر منفی و معناداری داشته و اندازه هیئت مدیره و دوگانگی مسئولیت مدیرعامل، تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک اعتباری بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

کلمات کلیدی: کفایت سرمایه، ریسک اعتباری، حاکمیت شرکتی

مقدمه

موضوع ریسک اعتباری و مطالبات معوق بانکی یکی از موضوعات حساس و با اهمیت صنعت بانکداری می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان آن را عامل اصلی ورشکستگی بانک‌ها معرفی نمود. بحران اقتصادی ۲۰۰۸ در آمریکا که ریشه در افزایش ریسک اعتباری داشت، اهمیت توجه به ریسک اعتباری را بیش از پیش نمایان ساخت (بوتنگ و همکاران، ۲۰۱۸). ریسک اعتباری یا ریسک ناشی از قصور در پرداخت جایگاه ویژه‌ای دارد، چرا که به اولین نقش بانک در اقتصاد یعنی گردآوری سپرده و اعطای وام مرتبط است. ریسک اعتباری از آن جهت در نهادهای پولی حائز اهمیت است که منابع به کار گرفته شده برای تخصیص در حقیقت بدهی نهاد پولی به سهام داران مردم و بانک‌ها است که در صورت عدم گردش هم می‌توان اعتبار دهی و هم قدرت تادیه بدهی نهاد پولی به عنوان وام دهنده را تضعیف کند (ابوالسود، ۲۰۱۷).

از طرف دیگر بین حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک ارتباط نزدیکی وجود دارد که می‌تواند به سادگی قابل فهم باشد. ساختار هیئت مدیره می‌تواند فرایند مدیریت ریسک را بهبود بخشد و با یکپارچه کردن مدیریت ریسک و سیستم‌های کنترل داخلی به تدوین استانداردهای قوی حاکمیت شرکتی بپردازد. لذا ساختار هیئت مدیره بر سیاست‌ها و اهداف مدیریت ریسک تأثیرگذار است. هرچه تعداد مدیران غیر موظف هیئت مدیره بیشتر باشد، امکان فعالیت‌های مقابله علیه ریسک شرکت بیشتر خواهد بود. همچنین استقلال هیئت مدیره به عنوان عامل اساسی حفاظت از منافع سهامداران است زیرا اعضای بیرونی که هیچ رابطه‌ای با شرکت غیر از جایگاه خود در هیئت مدیره ندارند می‌توانند به عنوان ناظر بهتری عمل می‌کنند (بوتنگ و همکاران، ۲۰۱۸).

یکی از مباحث مهم در بانک‌ها بازپرداخت تسهیلات اعطایی است. در واقع ممکن است اشخاص حقیقی و یا حقوقی که از بانک وام گرفته‌اند از عهده بازپرداخت آن برنمایند. بانک‌ها و موسسات مالی باید برای جلوگیری از بروز چنین ریسکی از مدیریت ریسک توانمندی برخوردار باشند و در هر لحظه قادر به اندازه‌گیری ریسک اعتبارات پرداختی باشند. علاوه بر این، بانک‌ها باید قبل از پرداخت اعتبار به مشتریان، قوانینی برای سقف پرداخت در نظر بگیرند که قطعا این محدودیت‌ها بر حسب مقدار ریسک و مقدار سرمایه بانک تعیین می‌گردد، همچنین برای بررسی دقیق‌تر باید بخش‌هایی را که ریسک در آن‌ها متمرکز است مشخص نموده و در قبال آن‌ها تصمیم‌های مناسبی اتخاذ گردد. از این رو تحقیق حاضر به بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی و کفایت سرمایه بر پیامدهای ریسک پذیری بانک می‌پردازد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

امروزه بانکداری یکی از بااهمیت‌ترین بخش‌های اقتصاد به شمار می‌آید. بانک‌ها از یک طرف با سازماندهی دریافت‌ها و پرداخت‌ها امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل می‌کنند و موجب گسترش بازارها می‌شوند و از طرف دیگر با تجهیز پس‌اندازهای ریز و درشت و هدایت آن‌ها به سمت بنگاه‌های تولیدی زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصادی را فراهم می‌آورند (موسویان و کاوند، ۱۳۸۹).

از آنجائی که رشد و توسعه اقتصادی هر کشور مستلزم انتقال مناسب منابع مالی مازاد پس اندازکنندگان به سرمایه گذاران است وجود یک بازار مالی کارآمد و گسترده که در آن منابع مالی به بهترین موقعیت های سرمایه گذاری سوق داده شود بسیار حیاتی است.

از یک سو بیشترین حجم مبادلات کشورمان از طریق سیستم بانکی تحقق می یابد و کارکرد مطلوب نظام بانکداری کشور نقش تعیین کننده ای در بهبود فعالیت های اقتصادی خواهد داشت (مومنی و حری، ۱۳۸۹). از سویی دیگر مطالعه بر روی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک که از ابتدای سال ۱۹۷۹ شروع شده یکی از ملزومات اولیه و پیش نیازهای اصلی برای قرار گرفتن در مسیر توسعه، تأمین و تخصیص سرمایه و منابع مالی به شکل مطلوب است (سید نورانی و همکاران، ۱۳۹۱). بطور کلی عوامل تعیین کننده سودآوری بانک ها به دو گروه عوامل داخلی قابل کنترل مدیریت بانک و عوامل بیرونی فراتر از مدیریت بانک تفکیک شده اند (چنگ و همکاران، ۲۰۰۷).

مقابله با پدیده های ریسکی در فعالیت های مالی و اقتصادی، مستلزم طراحی و اجرای چارچوب جامع مدیریت ریسک است، به طور کلی مدیریت ریسک فرآیند سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس طرح استراتژی هایی برای اداره ریسک است (اصلی، ۱۳۹۰). در مجموع، استراتژی های بکار رفته در بانک ها و موسسات مالی شامل انتقال ریسک، اجتناب از ریسک، کاهش اثرات منفی ریسک و پذیرش قسمتی یا تمامی پیامدهای یک ریسک خاص است. بدیهی است مدیریت ریسک با استفاده از نگرش هیات مدیره و مدیران، به سازمان ها و موسسات کمک می کند تا با جایگزین کردن یک استراتژی جامع به جای روش های منفرد و یک جانبه در مقابل ریسک ها، نحوه اداره موثر و مقرون به صرفه آن ها را یافته و به اجرا بگذارد (حاجی آقایی، ۱۳۸۶).

الف- مفهوم ریسک تسهیلات (وام ها)

تسهیلات اعطایی، از زمره مهم ترین و بارزترین دارایی های بانک محسوب می شوند و بخش عمده ای از درآمد بانک ها می تواند از طریق اعطای تسهیلات به وقوع بپیوندد اما گردش پول و سرمایه در جامعه نهاد مالی را در معرض انواع ریسک ها قرار می دهد تنوع این ریسک ها و گاهی شدت آن ها به حدی است که اگر نهاد مالی نتواند آنها را به نحو صحیح کنترل و مدیریت کند رو به نابودی و حتی ورشکستگی خواهدرفت (اصلی، ۱۳۹۰).

بنابراین باتوجه به افزایش تقاضای تسهیلات و ریسک موجود در این گونه فعالیت ها اعتبارسنجی متقاضیان تسهیلات و ارائه الگویی مناسب برای نحوه پرداخت تسهیلات یکی از اساسی ترین اصول مدیریت ریسک اعتباری در بانک ها و موسسات مالی بشمار می رود به طوری که استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری بالاخص اعتبارسنجی، به بانک ها این امکان را می دهد تا با اطمینان خاطر بیشتری درخصوص اعطای تسهیلات تصمیم گیری کنند (اصلی، ۱۳۹۰).

در بین ریسک های دیگری که بانک ها با آن روبرو هستند، ریسک اعتباری نقش مهمی روی سوددهی بانک ها دارد چون مقدار زیادی از درآمد بانک ها از سود وام ها به دست می آید. به هر حال ریسک میزان سود مستقیماً به ریسک اعتباری مربوط است. احتمال ریسک اعتباری و ریسک میزان سود، فی نفسه به یکدیگر مربوط هستند و جدای از هم نیستند (درحمان و همکاران، ۲۰۰۸).



ب- مفهوم ریسک پذیری

ریسک اعتباری یکی از مهمترین عوامل تولید ریسک در بانکها و موسسات مالی است. ریسک اعتباری را می توان به صورت رویدادهای غیرمنتظره که معمولاً به صورت تغییر در ارزش داراییها یا بدهیها رخ می دهد نیز تعریف کرد. این ریسک از آن جهت ناشی می شود که دریافت کنندگان تسهیلات تمایل یا توانایی بازپرداخت بدهی خود را به بانک نداشته باشند که از آن به عنوان نکول یاد می شود که مترادف ریسک اعتباری است (نظریان و همکاران، ۱۳۹۵).

ج- تاثیر ریسک پذیری بر بانک یا موسسه مالی

به لحاظ نظری، نکول زمانی روی می دهد که ارزش دارایی های شرکت کمتر از ارزش بدهی های آن باشد، بنابراین ریسک نکول از جمله مهمترین ریسک هایی است که بانکها و موسسات پولی و مالی را تحت تاثیر قرار می دهد، چرا که نکول تعداد کمی از مشتریان می تواند زیان غیرمنتظره ای را به یک سازمان وارد نماید.

هرگونه قصوری که در بازپرداخت تسهیلات صورت گیرد از ارزش دارایی های بانک کاسته و ممکن است بانک را در ایفای تعهداتش دچار مشکل نماید از سوی دیگر میزان سودآوری را نیز کاهش دهد و به این ترتیب بانک به پیش بینی های اولیه خود دست نیابد و متعاقباً نتواند به سهامداران و سپرده گذاران خود سودهای مورد انتظار آنان را پرداخت نماید و این اتفاق تاثیر مستقیم در موقعیت بانک، سهامداران و سپرده گذاران خواهد داشت.

د- حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی عبارت است از سیستمی که به وسیله آن شرکت ها هدایت و کنترل می شوند. هیات مدیره در قبال حاکمیت بر شرکت مسئول هستند. نقش سهامداران در حاکمیت، تعیین و منصوب نمودن مدیران و بازرسان در شرکت در جهت اطمینان خاطر دادن به آنها در مورد برقرار بودن ساختار حاکمیتی مطلوب در شرکت است. مسئولیت های هیئت مدیره شامل تعیین اهداف استراتژیک شرکت، فراهم کردن رهبری جهت دست یابی اثر بخش به این اهداف، نظارت بر مدیران و ارائه گزارشات به سهامداران است. اقدامات هیئت مدیره مبتنی بر قوانین، مقررات و خواسته های سهامداران در مجمع عمومی می باشد (شهریاری، ۱۳۸۶). ساختارهای حاکمیت شرکتی چند بعدی هستند. هر یک از ابعاد ممکن است جایگزین یا مکمل یکدیگر باشند تا ساختار حاکمیتی مطلوبی را شکل دهند. یک جریان مطالعات حاکمیت شرکتی اندازه های چند بعدی حاکمیت شرکتی را برای حصول رابطه با سایر عوامل مانند عملکرد، محتوای اطلاعاتی سود، مدیریت سود، تجدید ارائه و ... به کار می برند. به عنوان مثال، دی (۲۰۰۵) مجموعه جامعی از دوازده ویژگی حاکمیت شرکتی را برای اندازه گیری ابعاد مختلف حاکمیت شرکتی مورد مطالعه قرارداد و نتایج او نشان می دهد که ترکیب و کارکرد اعضای هیات مدیره، کارایی کمیته حسابرسی و دوگانگی وظیفه مدیر عامل به طور معنی داری با اعتبار گزارشگری مالی در شرکت های با هزینه های نمایندگی بالا رابطه دارد.

پیشینه پژوهش

گپتا و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی به بررسی تاثیر شرایط اقتصادی و قیمت نفت بر ریسک پذیری شرکتها در ۵۶ کشور در طی سالهای ۲۰۱۶-۱۹۹۰ پرداختند. نتایج حاصل از بررسیها نشان داد که شرکتها با افزایش قیمت نفت ریسک گریز می شوند البته این ارتباط به شرایط اقتصادی نیز وابسته



است. در صورتی که شرایط اقتصادی مطلوب باشد با افزایش قیمت نفت ریسک‌پذیری شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد.

بوئنگ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط روابط سیاسی هیئت مدیره، ساختار مالکیت و ریسک‌پذیری در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین در طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۳ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها نشان داد که نوع مالکیت بانک‌ها ارتباط بین روابط سیاسی و ریسک‌پذیری را تعدیل می‌کند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد بانک‌های دولتی حساسیت بیشتری نسبت به ریسک‌پذیری دارند در حالی که مدیران بانک‌های خصوصی گرایش بیشتری به نظارت موثر دارند.

آلبرینگ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر پیش‌بینی مدیریت سود، انگیزه‌های مدیریتی و ریسک‌پذیری شرکت‌ها در طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۴ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها نشان داد که پیش‌بینی مدیریت سود می‌تواند مدیران را وادار به اجتناب از سرمایه‌گذاری‌هایی که در بلند مدت برای شرکت منافع دارند نماید. به همین ترتیب می‌توان گفت بین پیش‌بینی مدیریت سود و ریسک‌پذیری شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه منفی و معناداری بین مالکیت مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها وجود دارد.

ابوالسود^{۱۳} (۲۰۱۷) به بررسی ساختار حاکمیت شرکتی و کفایت سرمایه پیامدهای ریسک‌پذیری بانک پرداخت و به این نتیجه رسید که بانک‌هایی که دارای مالکیت مدیریتی بیشتر و هیئت مدیره کوچکتر هستند، ریسک سرمایه‌گذاری کمتری دارند و بانک‌های دارای مالکیت مدیریت خوب، سعی می‌کنند که خود را در وضعیتی با ریسک پایین نگاهدارند، حتی در شرایط بحران مالی با نگهداری نسبت‌های سرمایه بالا، ریسک خود را پایین نگه می‌دارند.

نظریان و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تاثیر مدیریت ریسک اعتباری و شاخص کفایت سرمایه بر کارایی بانک‌های منتخب خصوصی و دولتی ایران پرداختند. تخمین الگوی کارایی بانک‌های منتخب در ایران نشان می‌دهد تاثیر متغیر ریسک اعتباری بر میزان کارایی بانک‌ها منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. تاثیر متغیر شاخص کفایت سرمایه بر میزان کارایی بانک‌های منتخب تحقیق مثبت ولی از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین تاثیر جذب منابع بانکی بر میزان کارایی بانک‌های منتخب تحقیق مثبت و معنی‌دار می‌باشد.

ایمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر تمرکز مالکیت بانکی بر کفایت سرمایه، نقدینگی و ثبات سرمایه پرداختند. نتایج پژوهش نشان دهنده ارتباط مستقیم و معنی‌دار بین تمرکز مالکیت و کفایت سرمایه می‌باشد. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد ارتباط معکوس و معنی‌دار بین مالکیت متمرکز بانکی و نرخ نقدینگی در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. نهایتاً نتایج تحقیق حاضر نشان دهنده ارتباط مستقیم و معنادار بین تمرکز مالکیت بانکی و نرخ وام‌ها به سپرده‌ها می‌باشد.

خشنود و اسفندیاری (۱۳۹۳) به بررسی وام‌دهی بانکی و کفایت سرمایه در مقایسه بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران پرداختند. نتایج هر چند بیانگر اثربخشی سرمایه بانک در قالب نسبت کفایت سرمایه در تصمیم‌گیری وام‌دهی هر دو گروه بانک مورد بررسی است، اما نتیجه‌ای دال بر تأیید نقش سرمایه بانک در کانال وام‌دهی بانکی از منظر تضعیف اثر سیاست پولی در هیچ یک از دو گروه مورد بررسی مشاهده نمی‌شود.



محمودوند و محمدی (۱۳۹۲) به بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلات در بانک ها و موسسات مالی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که برای جلوگیری از سوخت شدن مطالبات بانکی باید راهکارهایی همچون موارد زیر ارائه شود: ۱- ارائه راه کارهایی برای اندازه گیری ریسک اعتباری و روش هایی برای بررسی کفایت سرمایه بانک در مواجهه با شرایط بحرانی ناشی از عدم پرداخت وامها. ۲- تشخیص بخشهایی از پرتفوی وامها که در آن تمرکز ریسک وجود دارد. ۳- انجام تحلیل وام های فردی و مشخص نمودن وام هایی که با توجه به میزان سرمایه بانک، خارج از محدوده وام گیرنده فردی توسط مدل تعیین شده است.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده شده است. زیرا تخمین‌های به دست آمده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته با در نظر گرفتن مشکلات تخمین دینامیک داده‌های تلفیقی (پانل) در حضور اثرات ثابت، صحیح‌ترین نتیجه را به دست می‌دهد. جامعه این پژوهش، کلیه بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ است. به منظور همگنی بانکهای مورد بررسی فیلتر های زیر برای انتخاب بانک ها ارائه می گردد:

۱. در طول دوره پژوهش، تغییر در دوره مالی نداشته باشند.
۲. جزء بانک های فعال در بورس (حداقل در طول هر شش ماه یک روز معاملاتی داشته باشد) باشد.
۳. دوره مالی آن‌ها منتهی به ۱۲/۲۹ هر سال باشد تا بتوان داده‌ها را در کنار یکدیگر و در صورت نیاز، به صورت پانلی به کار برد.
۴. سهام آنها تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس معامله شده باشد.

فرضیه‌های پژوهش

در سال‌های اخیر بروز رکود اقتصادی همراه با تورم در ایران موجب افزایش مطالبات معوق بانکی شده است که می‌تواند نظام بانکی کشور را با مشکلات جدی مواجه سازد (سعیدی، ۱۳۹۰). شلیفر و ویشنی - (۱۹۸۶)، دریافتند که سرمایه‌گذاران نهادی در نظارت بر عملکرد گروه مدیریت موفق تر هستند. همچنین، سرمایه‌گذاران نهادی آگاهی و اطلاعات بیشتری دارند، زیرا به منابع خبری مختلفی دسترسی دارند (گراپ و کالر، ۲۰۱۰). جنسن (۱۹۸۶)، بیان کرد که سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند به کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک کنند، بر عملکرد شرکت و انتشار سهام نظارت کنند، مدیران را تغییر دهند تا بر شرکت نظارت کنند و در نهایت، زمانی که اعمال کنترل صورت می‌گیرد، از منافع سهام‌داران دفاع کنند. از آنجا که توافق نامه های قراردادی سهامداران نهادی با مدیران، نظارت را تسهیل می‌کند، مالکیت متمرکز حساسیت سهامداران نسبت به ریسک را افزایش می‌دهد. از این رو، سهامداران سود نسبی را در تحمل ریسک کاهش داده اند (هاینریش، ۲۰۰۰). از طرفی استقلال هیئت مدیره و حضور افراد غیر موظف در ساختار هیئت مدیره نیز، یک عامل اساسی در حفاظت از منافع سهامداران است. زیرا اعضای بیرونی غیرموظف که هیچ رابطه ای با شرکت، غیر از جایگاه خود در هیئت مدیره ندارند، می‌توانند بر مدیران شرکت نظارت بهتر و دقیق‌تری داشته باشند (گراو و همکاران، ۲۰۱۱). لذا انتظار بر این است که با افزایش نظارت بر مدیران بانکی، عملکرد بانک بهبود یافته و وام‌های اعطایی مدیران، در چارچوب



نظارت سهامداران نهادی و اعضای غیرموظف صورت گیرد و در نتیجه ریسک اعتباری بانک را کاهش دهد.

محققان رفتار سازمانی استدلال می‌کنند که اگر هیئت‌مدیره بزرگ‌تر باشد بهره‌وری کل کاهش می‌یابد. طرفداران هیئت‌مدیره کوچک‌تر استدلال می‌کنند که هیئت‌مدیره کوچک‌تر احتمال بیشتری برای رسیدن به اجماع دارد و اجازه می‌دهد کاربران به بحث و تعامل واقعی بپردازند. فرض بر این است که زمانی که اندازه مناسب هیئت‌مدیره تعیین می‌شود (سعیدی، ۱۳۹۰). در هر صورت اندازه هیئت‌مدیره بر عملکرد تاثیرگذار بوده و می‌تواند بر ریسک اعتباری نیز تاثیرگذار باشد. لذا فرضیه‌های پژوهش، به صورت زیر مطرح می‌گردد:

۱- کفایت سرمایه بر ریسک اعتباری بانک‌ها تاثیر گذار است.

۲- سهامداران نهادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها تاثیر گذار است.

۳- استقلال هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری بانک‌ها تاثیر گذار است.

۴- اندازه هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری بانک‌ها تاثیر گذار است.

مدل و متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

الف-متغیر وابسته

ریسک‌پذیری ($Risktaking_{it}$) برابر است با نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات از معیارهای معمولی است که در سیستم بانکی برای ارزیابی وضعیت ریسک اعتباری به کار می‌رود. تسهیلات در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری فعال در ایران، براساس دستورالعمل بانک مرکزی با توجه به کیفیت آنها، به چهار دسته به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند.

۱. طبقه جاری: تسهیلاتی است که پرداخت اصل و سود آنها یا بازپرداخت اقساطشان در سررسید انجام شده یا حداکثر از سررسید آنها دو ماه گذشته است. ۲. طبقه سررسید گذشته: از تاریخ سررسید اصلی و سود تسهیلات یا تاریخ قطع پرداخت اقساط بیش از دو ماه گذشته است، ولی تأخیر در بازپرداخت هنوز از شش ماه تجاوز نکرده است. ۳. طبقه معوقی: اصلی و سود تسهیلاتی است که بیش از شش ماه و کمتر از هجده ماه از تاریخ سررسید یا تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده، مشتری هنوز اقدامی برای بازپرداخت مطالبات مؤسسه اعتباری نکرده است. ۴. طبقه مشکوک الوصول: اصلی و سود تسهیلاتی است که بیش از هجده ماه از سررسید یا تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده، مشتری هنوز اقدام به بازپرداخت بدهی خود نکرده است (اداره مطالعات و مقررات بانکی، بانک مرکزی، ۱۳۸۵). گفتنی است در ادبیات بانکداری، به مجموع تسهیلات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول، تسهیلات غیرجاری اطلاق می‌شود و نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی از مهمترین معیارهایی است که در سیستم بانکی برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری استفاده می‌شود.

ب-متغیرهای مستقل

BS_{it} : اندازه هیات مدیره که از تعداد اعضای هیات مدیره بدست می‌آید (ابوالسود، ۲۰۱۷).

$MANAGER_{it}$: دوگانگی مسئولیت مدیر عامل، که متغیر مجازی با ارزش صفر و یک است. در صورتی که مدیر عامل، رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره باشد مقدار صفر و در غیر اینصورت یک را اختصاص خواهیم داد (ابوالسود، ۲۰۱۷).



OUT_{it} : استقلال هیئت مدیره؛ عبارت است از درصدی از اعضای هیئت مدیره که سمت اجرایی ندارند و از نسبت تعداد اعضای هیئت مدیره غیر موظف بر کل اعضای هیئت مدیره بدست می آید (ابوالسود، ۲۰۱۷).

$BLOCK_{it}$: درصد سهامداران نهادی که بیان کننده میزان سهام در دست سهامداران نهادی به کل سهام شرکت است. سهامدار نهادی شامل سهامدار حقوقی مانند هلدینگ ها، سرمایه گذاری ها، شرکت های دولتی و نیمه دولتی و ... و سهامدارانی که بیش از ۵٪ سهام شرکت را در اختیار دارند.

CAP_{it} : کفایت سرمایه که از نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی های موزون شده به ریسک بانک بر اساس دستور العمل بانک مرکزی به دست خواهد آمد (بانک مرکزی، ۱۳۹۲).

ج- متغیرهای کنترلی

اندازه بانک ($size_{it}$): لگاریتم طبیعی ارزش بازاری سهام بانک

نرخ رشد ($groa_{it}$): رشد بازده دارایی های بانک (بازده دارایی نیز برابر است با نسبت سود خالص به ارزش دفتری کل دارایی ها)

نسبت تسهیلات (LTD_{it}): نسبت تسهیلات به کل سپرده ها

نسبت سرمایه (CAR_{it}): نسبت سرمایه بانک به ارزش دفتری کل دارایی ها

بعد از محاسبه متغیرهای برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون زیر استفاده شده است:

$$Risktaking_{it} = \beta_1 + \beta_2 BLOCK_{it} + \beta_3 MANAGER_{it} + \beta_4 BS_{it} + \beta_5 OUT_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 GROA_{it} + \beta_9 LTD_{it} + \beta_{10} CAR_{it} + \varepsilon_{it}$$

یافته های پژوهش

ابتدا آمار توصیفی که شامل مرکزی (ماکزیمم، مینیمم، میانگین) و پراکنندگی شامل انحراف معیار هستند، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

جدول (۱) شاخص آماری متغیرهای کیفی

تعداد مشاهدات	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میان	میانگین	دوگانگی مدیرعامل
۱۲۰	۰/۰۴۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	-	۰/۰۰۶	

جدول (۲) شاخص آماری متغیرهای کمی

تعداد مشاهدات	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میان	میانگین	
۱۲۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۸۷۰	۰/۰۱۰۱	۰/۰۳۳۶	ریسک پذیری
۱۲۰	۰/۰۹۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۵۰۰۰	۰/۴۸۸۵	استقلال هیئت مدیره
۱۲۰	۰/۰۳۱	۵/۰۰۰	۹/۰۰۰	۵/۰۰۰	۵/۸۷۴۴	اندازه هیئت مدیره
۱۲۰	۰/۲۵۵	۰/۶۲	۰/۹۳	۰/۸۶	۰/۶۸۰۰	سهامداران نهادی
۱۲۰	۰/۲۱۱۷	۰/۰۲۷۱	۰/۵۴۰۱	۰/۰۹۰	۰/۱۵۱۷	کفایت سرمایه
۱۲۰	۸/۸۵۰	۱۳/۲۵۴	۱۸/۱۷۶	۱۶/۴۴	۱۴/۹۹۳	اندازه بانک
۱۲۰	۰/۱۵۴	-۰/۵۲۸۸	۱/۶۸۷۰	۰/۰۳۳	۰/۳۵۲۰	نرخ رشد
۱۲۰	۰/۶۳۲	۰/۸۱۸۸	۱/۰۸۵۱	۰/۹۵۳۸	۰/۹۶۰۱	نسبت تسهیلات

در خصوص ۱۲۰ مشاهده، متغیر ریسک پذیری بطور متوسط ۳٪ بوده، به عبارت دیگر ۳٪ از تسهیلات بانک ها بازگشت نشده است. میزان کفایت سرمایه بطور متوسط ۱۵٪ است به عبارت دیگر بانک ها به میزان ۱۵٪ دارایی های خود برای پوشش ریسک در نظر گرفته اند. سهامداران نهادی در حدود ۶۸ درصد سهام شرکت ها را در اختیار دارند. رشد بازده بانک ها بطور متوسط در حدود ۳۵ درصد بوده است.

آزمون مانایی متغیرها

متغیرهای استفاده شده در رگرسیون باید مانا یا به عبارت دیگر فاقد ریشه واحد باشند، در صورتی که متغیری ریشه واحد داشته باشد باعث می شود نتایج حاصل از رگرسیون کاذب و غیر واقعی باشد. از این رو باید مانایی متغیرها بررسی شود. نتایج نشان می دهد که داده های مورد استفاده در پژوهش مانا می باشند. جدول ۳: نتایج آزمون دیکی فولر برای سنجش مانای متغیرها

متغیر	آماره	احتمال
ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	۵۴۱	۰,۰۰۱
دوگانگی مدیرعامل	۳۶۵	۰,۰۰۱
اندازه هیئت مدیره	۳۸۴	۰,۰۰۱
استقلال هیئت مدیره	۳۱۶	۰,۰۰۱
سهامداران نهادی	۳۰۲	۰,۰۰۱
کفایت سرمایه	۵۶۱	۰,۰۰۱
اندازه بانک	۳۵۱	۰,۰۰۱
نرخ رشد	۳۱۸	۰,۰۰۱
نسبت تسهیلات	۲۴۴	۰,۰۰۱

برآورد مدل و آزمون فرضیه های مربوط به آن

پیش از تخمین مدل نیاز است تا آزمون F لیمر برای تعیین نوع روش مدل رگرسیونی از حیث پانل بودن (داده های تابلویی) یا پولینگ بودن (داده های تلفیقی) انجام گرفته و در صورت پذیرش روش پانل، آزمون هاسمن برای تعیین نوع روش از لحاظ اثرات ثابت یا اثرات تصادفی صورت گیرد. اگر سطح معناداری آزمون هاسمن کوچکتر از ۵ درصد باشد، فرض صفر (اثرات تصادفی) رد شده و اثرات ثابت انتخاب می شود و اگر سطح معناداری آزمون هاسمن بزرگتر از ۵ درصد باشد فرض صفر تایید شده و اثرات تصادفی انتخاب می شود. مطابق با نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، روش رگرسیونی مناسب انتخاب می شود و بر اساس آن فرضیه های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در صورت استفاده از روش داده های تابلویی هنگامی که تعداد شرکت ها از مقاطع دوره زمانی بیشتر باشد ممکن است مدل ها با مشکل ناهمسانی واریانس ها مواجه شوند. با توجه به تاثیر مهم ناهمسانی واریانس در برآورد انحراف معیار و استنباط آماری لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش به منظور آزمون برابری واریانس در داده های تابلویی از آزمون نسبت درست نمایی (LR) استفاده شده است. در صورت وجود مشکل ناهمسانی واریانس در داده های تابلویی روش های مختلفی جهت رفع این مشکل وجود دارد که یکی از این روش ها استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) می باشد.



نوع آزمون	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه
F لیمر	۳/۹۷	۰/۰۰۱	پائل

نتایج آزمون F لیمر مدل را نشان می‌دهد. از آنجایی که میزان prob محاسبه شده در مدل کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد، لذا فرض صفر مبنی بر پولیتگ بودن رد شده و پائل بودن مدل تایید می‌گردد.

نوع آزمون	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه
هاسمن	۱۳	۰,۰۴۵	اثر ثابت

با توجه به مقدار احتمال برآورد شده هاسمن که در مدل برابر ۰/۰۴۵ که کوچکتر از ۰/۰۵ است. فرض صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد شده و فرضیه مقابل آن یعنی وجود اثرات ثابت پذیرفته می‌شود.

نوع آزمون	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه
ناهمسانی واریانس	۹۹۸	۰/۰۰۱	واریانس ناهمسان

بررسی آماره آزمون انجام شده نشان می‌دهد از آنجایی که prob محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد فرض صفر تائید نشده و همسانی واریانس در مدل تائید نمی‌شود. از این رو برای برآورد مدل‌ها نیاز به رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) است.

نوع آزمون	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه
خودهمبستگی	۵,۲۳	۰,۱۷	عدم خودهمبستگی

با توجه به نتایج تخمین سطح خطا بیشتر از ۰/۰۵ بوده پس فرض صفر رد نشده و وجود خودهمبستگی بین جملات اخلاص رد می‌شود.

برآورد مدل تحقیق

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر کفایت سرمایه و حاکمیت شرکتی بر ریسک اعتباری بانک‌ها (مطالبات مشکوک الوصول) است. نتایج آزمون رگرسیون در جدول ذیل به صورت خلاصه ذکر شده است:

جدول ۴: برآورد مدل تحقیق با متغیر وابسته ذخیره مطالبات مشکوک الوصول

متغیرهای توضیحی	ضرایب	مقادیر آماره t	مقادیر P-Value	نتیجه‌گیری
$Risktaking_{it} = \beta_1 + \beta_2 BLOCK_{it} + \beta_3 MANAGER_{it} + \beta_4 BS_{it} + \beta_5 OUT_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 GROA_{it} + \beta_9 LTD_{it} + \varepsilon_{it}$				
مقدار ثابت	۰/۰۳۶۶۷۹	۱۳/۳۸۵۱۵	۰/۰۰۰۱	مقدار - مثبت
دوگانگی مدیرعامل	۰/۱۴۵۶۳۷	۹/۵۹۶۷۷۷	۰/۰۰۰۱	مقدار - مثبت
اندازه هیئت مدیره	۰/۰۴۳۱۸۸	۶/۴۹۶۳۶۰	۰/۰۰۰۱	مقدار - مثبت
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۰۳۲۲۷	-۱/۸۷۴۸۳۷	۰/۰۳۳۴	مقدار - منفی
سهامداران نهادی	-۰/۰۰۳۶۱۸	-۳/۳۳۸۹۱۶	۰/۰۰۰۹	مقدار - منفی
کفایت سرمایه	-۰/۰۱۸۹۰۵	-۱/۷۷۱۲۰۶	۰/۰۴۶۹	مقدار - منفی
اندازه بانک	۰/۰۱۹۴۴۳	۱۳/۲۶۰۲۷	۰/۰۰۰۱	مقدار - مثبت
نرخ رشد	-۰/۰۴۴۳۱۶	-۴/۱۷۹۲۲۰	۰/۰۰۰۱	مقدار - مثبت
نسبت تسهیلات	۰/۰۲۸۹۸۵	۸/۱۲۳۵۲۰	۰/۰۰۰۰	مقدار - منفی
آماره F	۵/۷۲	آزمون دوربین واتسون	۲/۰۴	
مقادیر P-Value	۰/۰۰۰۱	مقادیر ضریب تعیین R ²	۰/۴۷	
نتیجه اولیه: با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است رابطه معنادار است.				



با توجه به نتیجه جدول می‌توان دریافت که دوگانگی مدیر عامل و اندازه هیئت مدیره تاثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵٪ بر ذخیره مطالبات دارد این در صورتی است که متغیرهای سهامداران نهادی، استقلال هیئت مدیره و کفایت سرمایه تاثیر منفی و معنادار بر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول دارد. در مدل مقدار احتمال (یا F(P-Value برابر با ۰/۰۰۰۱ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود. یعنی مدل معنی‌داری است و بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی برقرار است.

ضریب تعیین در مدل تقریباً ۰/۴۷ می‌باشد. این ضریب بیانگر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۴۷٪ از تغییرات مخارج سرمایه‌ای شرکت را دارا هستند. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۲/۰۴ می‌باشد که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌های مدل است.

میزان ارزش احتمال برای متغیر کفایت سرمایه کمتر از ۰/۰۵ بوده و علامت ضریب برآوردی برای متغیر مذکور منفی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که کفایت سرمایه بر ریسک اعتباری بانک، تاثیر منفی و معناداری دارد. لذا فرضیه اول پژوهش تایید می‌گردد. میزان ارزش احتمال برای متغیر سهامداران نهادی کمتر از ۰/۰۵ بوده و علامت ضریب برآوردی برای متغیر مذکور منفی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که سهامداران نهادی بر ریسک اعتباری بانک، تاثیر منفی و معناداری دارند. لذا فرضیه دوم پژوهش تایید می‌گردد. میزان ارزش احتمال برای متغیر استقلال هیئت مدیره کمتر از ۰/۰۵ بوده و علامت ضریب برآوردی برای متغیر مذکور منفی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که استقلال هیئت مدیره بر ریسک اعتباری بانک، تاثیر منفی و معناداری دارد. لذا فرضیه سوم پژوهش نیز تایید می‌گردد. میزان ارزش احتمال برای متغیر اندازه هیئت مدیره کمتر از ۰/۰۵ بوده و علامت ضریب برآوردی برای متغیر مذکور مثبت است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که اندازه هیئت مدیره بر ریسک اعتباری بانک، تاثیر مثبت و معناداری دارد. لذا فرضیه چهارم پژوهش نیز تایید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر کفایت سرمایه و حاکمیت شرکتی بر ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه این پژوهش مشخص شده است بین کفایت سرمایه و ریسک اعتباری بانک‌ها، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و بانک‌ها می‌توانند با افزایش میزان کفایت سرمایه و نگهداری سرمایه بیشتر، ریسک اعتباری خود را کاهش دهند. این نتیجه، با نتیجه به دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۷) و نظریان و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش، بین سهامداران نهادی و ریسک اعتباری بانک‌ها، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بانک‌هایی که دارای مالکیت مدیریت بیشتر و هیئت مدیره کوچکتر هستند، ریسک سرمایه‌گذاری کمتری دارند و بانک‌های دارای مالکیت مدیریتی خوب، سعی می‌کنند که خود را در وضعیتی با ریسک پایین نگه‌دارند، حتی در شرایط بحران مالی با کاهش نسبت‌های بدهی، ریسک خود را پایین نگه می‌دارند. این نتیجه، با نتیجه به دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۷) و یزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) همسو است.



طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم پژوهش، بین استقلال هیئت مدیره و ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه، با نتیجه به دست آمده از پژوهش ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) و فعلی (۱۳۸۷) همراستا می‌باشد. علت احتمالی وجود رابطه منفی و معنی‌دار بین استقلال هیئت‌مدیره و ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را می‌توان این‌طور بیان کرد: بدون وجود سازوکارهای اصول راهبری مناسب، احتمال بیشتری وجود دارد که مدیران از حداکثر سازی منافع سهامداران منحرف شوند و ممکن است تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در راستای منافع سهامداران و سرمایه‌گذاران نباشد. سازوکارهای اصول راهبری مناسب، می‌تواند مانع ساختن امپراتوری جدید مدیران و سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی شود.

طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه چهارم پژوهش، بین اندازه هیئت مدیره و ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که بیانگر پذیرفته شدن فرضیه چهارم پژوهش است. این نتیجه، با نتیجه به دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۷)، ازین (۲۰۱۱) همراستا است. علت احتمالی وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین اندازه هیئت مدیره و ریسک اعتباری بانک‌ها را می‌توان این‌طور بیان کرد: هرچه اندازه هیئت مدیره کوچک‌تر باشد، عملکرد بانک بهبود می‌یابد و ریسک شرکت کاهش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، هرچه تعداد اعضای هیئت مدیره کمتر باشد، کارایی آنان در بحث‌های پیش آمده بیشتر شده و بهتر می‌توانند در جهت اهداف شرکت گام بردارند؛ زیرا در هیئت‌مدیره‌های بزرگ‌تر ممکن است افرادی بدون تخصص وجود داشته باشند که کارایی هیئت‌مدیره را تحت تأثیر قرار دهند.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده به مدیران بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد که به منظور کاهش ریسک اعتباری بانک خود، سرمایه اولیه خود را حفظ و نرخ کفایت سرمایه را افزایش دهند. همچنین پیشنهاد می‌گردد که با افزایش سهامداران نهادی و استفاده بیشتر از اعضای غیرموظف در هیئت مدیره، زمینه نظارتی داخلی بانک افزایش که می‌تواند در جهت کاهش ریسک پذیری بانک نقش ایفا کنند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

به پژوهش‌گرانی که قصد دارند پژوهش‌هایی مشابه با این پژوهش انجام دهند، پیشنهاد می‌گردد که قلمرو مکانی پژوهش خود بانک‌های غیربورسی را نیز قرار داده و نتایج حاصل را با نتایج به دست آمده از این پژوهش مقایسه نمایند.

پی نوشت

۱. Watergate
۲. Cadbury
۳. Dey
۴. Vieno
۵. Enron.
۶. WorldCom
۷. Agip
۸. Seik
۹. Xerox
۱۰. Sarbanes-Oxley Act (SOA)
۱۱. International Corporate Governance Network (ICGN)
۱۲. Abou-El-Sood



منابع

- اصلی، شعله، (۱۳۹۰). "مدیریت ریسک اعتباری با نگاهی بر الگوی پرداخت تسهیلات در سایر کشورها". تهران: اداره تحقیقات و کنترل ریسک. ۱(۳)، ۳۴-۱.
- ایزدی نیا ناصر و رسائیان امیر و رضایی رجایی، علی اصغر (۱۳۹۱). "بررسی رابطه هموارسازی سود با ابزارهای حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام"، فصلنامه برنامه و بودجه. ۱(۱۷)، ۷۸-۵۳.
- ایمان زاده، پیمان، وطن پرست، محمدرضا و عباسی، سعیده (۱۳۹۴). "بررسی تاثیر تمرکز مالکیت بانکی بر کفایت سرمایه، نقدینگی و ثبات سرمایه". همایش بین المللی مدیریت و حسابداری ایران، ۳ (۵)، ۱۴۲-۱۲۰.
- بانک مرکزی (۱۳۹۲)، قانون بازل ۲ (ترجمه). سایت بانک مرکزی ایران.
- بقایی حسین آبادی، علی (۱۳۸۰). "ریسک مبانی نظری، کاربردها و ضرورت ادراک آن". نشریه توسعه مدیریت، ۱(۳۱)، ۱۸-۱.
- حاجی آقایی، بهشاد، (۱۳۸۶). "انواع ریسک و پوشش های آن"، تهران: تازه های اقتصاد، ۶ (۱۲۲)، ۶۵-۵۸.
- خشنود، زهرا و اسفندیاری، مرضیه (۱۳۹۳). "بررسی وامدهی بانکی و کفایت سرمایه: مقایسه بانکهای دولتی و خصوصی در ایران". فصلنامه پژوهش های پولی-بانکی. ۷(۲۰)، ۲۳۵-۲۱۱.
- سید نورانی، محمدرضا؛ امیری، حسین و محمدیان، عادل (۱۳۹۱). "رابطه علیت بین سرمایه بانک و سودآوری؛ با تاکید بر جنبه نظارتی ساختار سرمایه". ۲(۶)، ۴۴-۱۱.
- شهریاری، مهدی. (۱۳۸۶). "نقش حاکمیت شرکتی در عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار". پژوهش های حسابداری، ۳(۲)، ۲۸-۱۱.
- محمودوند، رحیم و محمدی، مهناز (۱۳۸۶). "بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلات در بانک ها و مؤسسات مالی". پژوهش های حسابداری و حسابرسی، ۵۳ (۲۲)، ۸۴-۶۳.
- مدرس، احمد؛ فعلی، مریم (۱۳۸۷). "رابطه نظام راهبری شرکتی با ارزش شرکت". مطالعات تجربی حسابداری مالی ۲ (۲۳)، ۱۰۶-۸۹.
- موسویان، سید عباس و کاوند، مجتبی (۱۳۸۹). "اقتصاد اسلامی ۳". موسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (ره). ۱(۳)، ۲۶-۱۲.
- مومنی، فرشاد و حری، حمید رضا (۱۳۸۹). "بانکداری مرکزی در نظام بانکداری اسلامی بدون ربا: شناسایی و ارزیابی ابزار های پولی کارآمد". پژوهشنامه اقتصادی. ۶(۴)، ۵۵-۳۱.
- میکائیل پور، حسین و شیوا، رضا، ۱۳۸۲، "مدیریت ریسک در حوزه بانکداری"، مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی، ۲ (۵)، ۲۰۴-۱۸۶.
- نظریان، رافیک، میرزایی نژاد، محمدرضا و صحافزاده، امین (۱۳۹۵). "بررسی تاثیر مدیریت ریسک اعتباری و شاخص کفایت سرمایه بر کارایی بانک های منتخب خصوصی و دولتی ایران". پژوهش های پولی-بانکی، ۲ (۲۰)، ۵۰-۳۲.



- Boateng, Agyenim, Liu, Yang & Brahma, Sanjukta (2018). Politically connected boards, ownership structure and credit risk: Evidence from Chinese commercial banks. *Research in International Business and Finance*. S0275-5319(18),30262-9
- Cheng EWL, Chaing YH, Tang BS(2007), Alternativw approach to the credit scoring by DEA: evaluating borrowers with respect to PFI project, *Journal of Building and Environment* ; 42:1752-1760.
- Drehman, M., Sorensen, S. & Stringa, M. (2008). "The Integrated Impact of Credit and Interest Rate Risk on Banks: An Economic Value and Capital Adequacy Perspective", Working Paper No.339, Bank of England .
- Gropp, R. and Köhler, W. (2010), "Bank owners or bank managers: who is keen on risk? Evidence from the financial crisis", Discussion Paper No. 10-013, Centre for European Economic Research, Mannheim.
- Grove, H., Patelli, L., Victoravich, L. and Xu, P. (2011), "Corporate governance and performance in the wake of the financial crisis: evidence from US commercial banks", *Corporate Governance: An International Review*, 19(5); 418-436.
- Gupta, K. Krishnamurti, C(2019). Do macroeconomic conditions and oil prices influence corporate risk-taking?, *Journal of Corporate Finance*, 53;1-246
- Heba Abou-El-Sood, (2017) "Corporate governance structure and capital adequacy: implications to bank risk taking", *International Journal of Managerial Finance*, 13(2).165-185
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance and takeovers. *American Economic Review*, 76, 323–329
- Shleifer, A. & R. Vishny (1986), "Large Shareholders and Corporate Control", *Journal of Political Economy*, 94, 1-20.